

MARVEL

8

LGY#715

AL EWING
JIM ZUB
MARK WAID
CARLO BARBERI
JESUS ABURTOV

RATED T+

AVENGERS

NO ROAD HOME



YAS

**THE
HYBORIAN
AGE**

SCARLET WITCH



WANDA MAXIMOFF

CONAN



HERCULES



SPECTRUM



MONICA RAMBEAU

VISION



VOYAGER



VA NEE GAST

EUPHORIA

THE HULK



BRUCE BANNER

ROCKET RACCOON



HAWKEYE



CLINT BARTON

**THE
CHILDREN
OF NIGHT**

NYX



MOTHER OF NIGHT

OZYS



GODDESS OF MISERY

شدیزار

کونان!

وقتی یک سالم بود آدمکش هایی رو که ملکه خدایان... نامادری من برای کشتنم فرستاده بود، از بین بردم. اونها اولین کسانی بودند که بدست من مردند.

مایه شرمساریه که آخرین ها نبودند.

من به نوبه خودم با خشم آشنا هستم. من بدنبال انتقام رفتم و حاصلش تراژدی بوده. در این آخرین حیات خودم شاهد ایام تاریکی بودم.

من هرکول پانچلیوس شاهزاده قدرت هستم... و امروز شاید تاریک - ترین روز باشه.

سیاره یوفوریا

من قوی ترین موجودی هستم که وجود داره.

وقتی عصبانی باشم دوست داشتنی نیستم ولی وقتی عصبانی نباشم.

به من می گن هالک... و شب زمان منه.

هالک... می دونستی که اینجاست...؟

قرار بود بریم تعطیلات. لعنت به این شانس!



قول هایی داده شده بود!

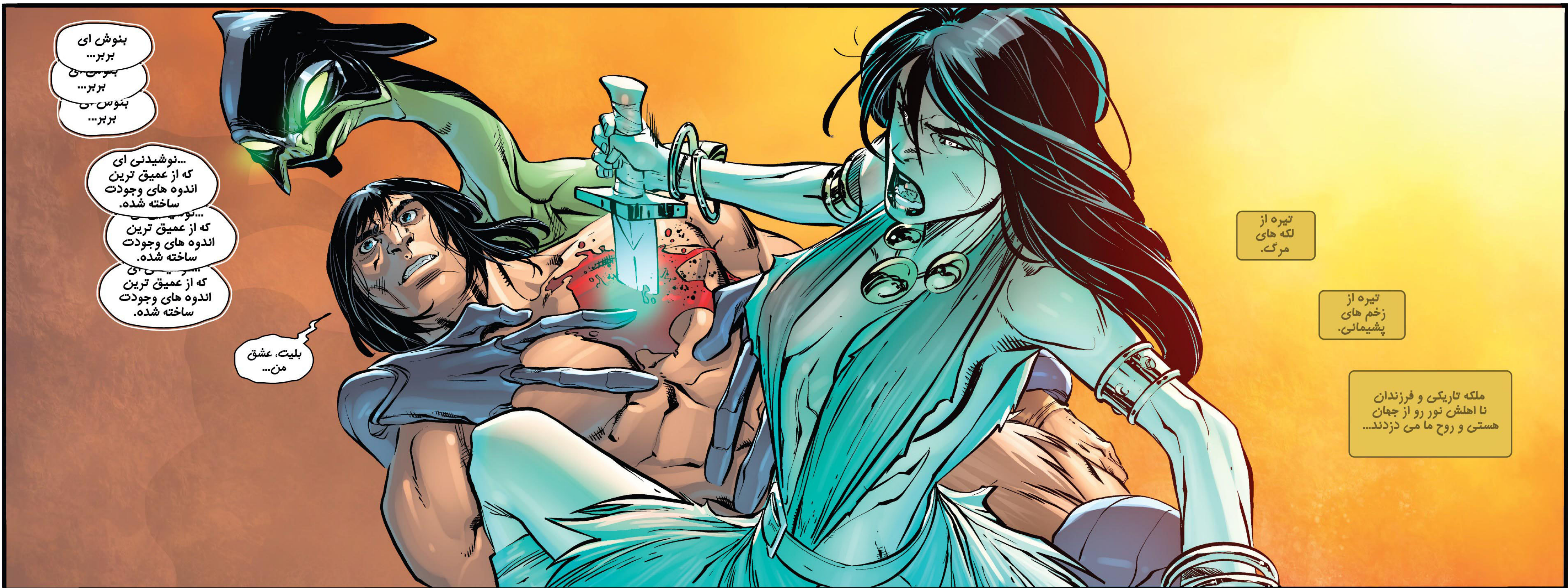
پس بذار من حسابشو برسم. یه نقشه دارم.

و من هم نیکس هستم. الهه شب.

ما دنبال یک چیز هستیم... تکه ای از کریستالی که سومین بخش از قدرت اون توشه.

یکیشو داشتم. ازش برای پیدا کردن برادرش استفاده کردم... یه جایی تو این سیاره. به نظر می رسه اون هم همین کار رو کرده.

و هر کسی که اون یکی رو بدست بیاره... آخرین تکه رو... تا آخر دنیا یگانه قدرت رو خواهد داشت.



بنوش ای بربر... بنوش ای بربر... بنوش ای بربر... بنوش ای بربر...

...نوشتیدنی ای که از عمیق ترین اندوه های وجودت ساخته شده. ...نوشتیدنی ای که از عمیق ترین اندوه های وجودت ساخته شده. ...نوشتیدنی ای که از عمیق ترین اندوه های وجودت ساخته شده.

بلیت، عشق من...

تیره از لکه های مرگ.

تیره از زخم های پشیمانی.

ملکه تاریکی و فرزندانش نا اهلش نور رو از جهان هستی و روح ما می دزدند...

زندگی پر از خشونت
چاه هایی از درد حفر
می کنه که عمیق تر
از چیزی هستند که
می پذیریم.

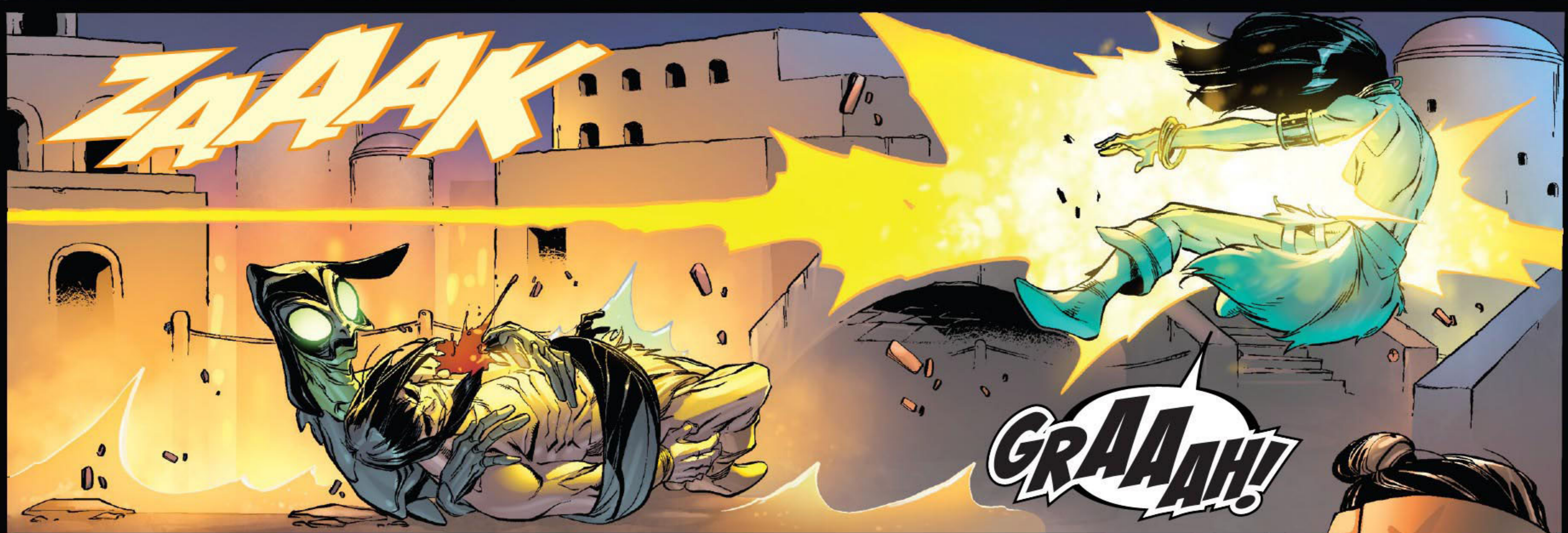


ما روی آب های
نیلگون سفر کردیم
و کمی هم به عمق
میوه زندگی.

دردی سوزناک که
نمی دونیم چطور باهاشون
روبرو بشیم.

ملکه
ساحل سیاه
و شیر وفادار
او.

آره...



بسه --
اوی-اوی-اوی-
زیسن.

تحمل کن
کونان!



من نمی دونم این جنگجو کیه، ولی حالت چهره اش
درباره زندگی ای که داشته خیلی چیزها بهم می گه.



من این بربر
بودم.

من آتش بی پایان
خشم رو حس کردم.

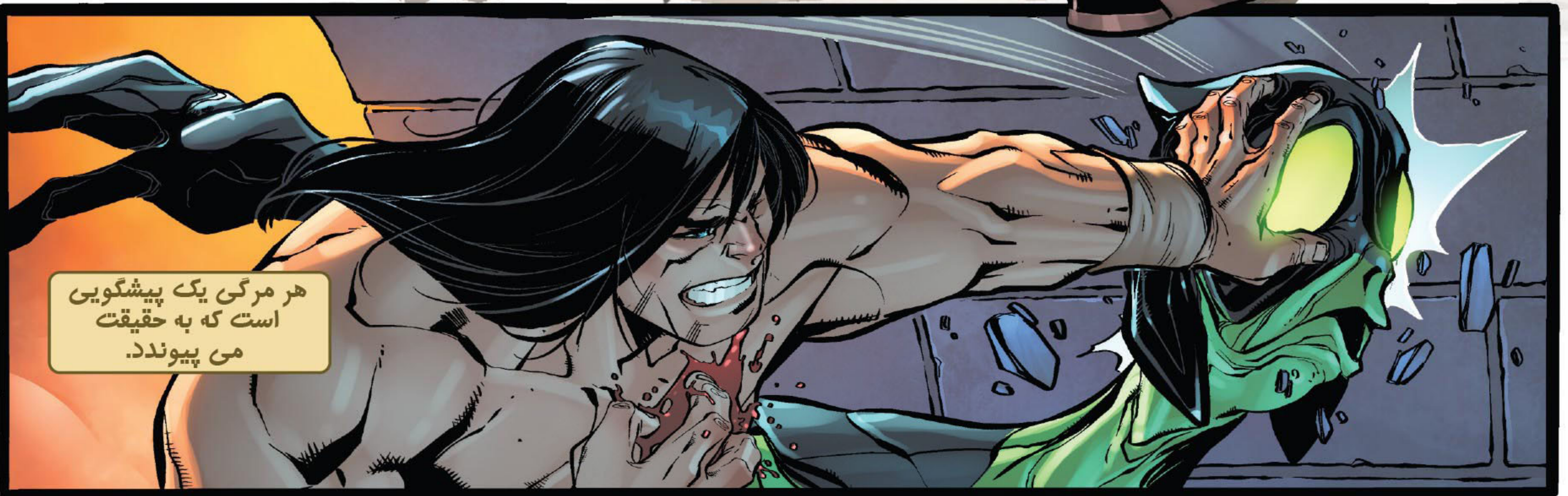
You!



هر جنگی که از سر
می گذرونی یه پینه دور
قلبت ایجاد می کنه.



هر مرگی یک پیشگویی
است که به حقیقت
می پیوندد.





ای بابا.
یه ذره با نظر من
درباره پارادایس
فرق می کنه.

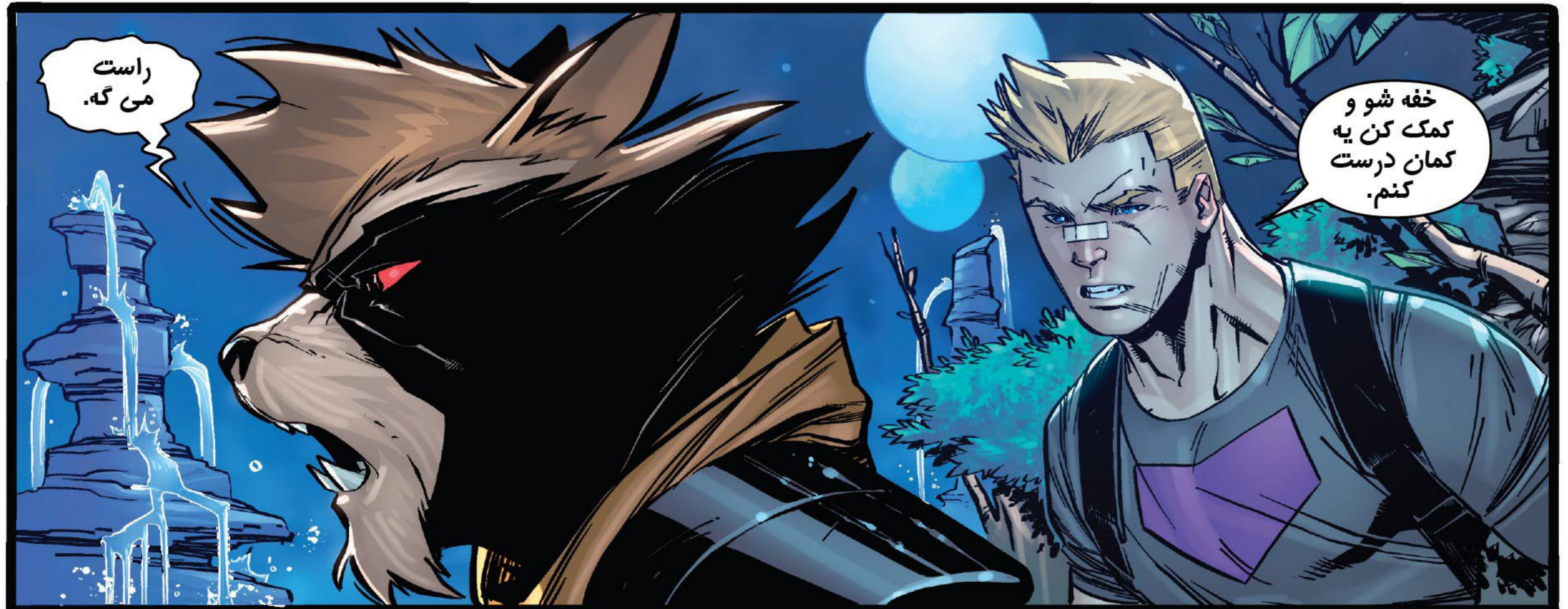
عجب.
بره های گم شده
بیشتر.
شما چیزی
دارید که مال
منه. برای من
زیاد مهم
نیست.



برای من یه جنگ
اساسی جاشو می گیره.
شما برید بهشت خودتونو
پیدا کنید.

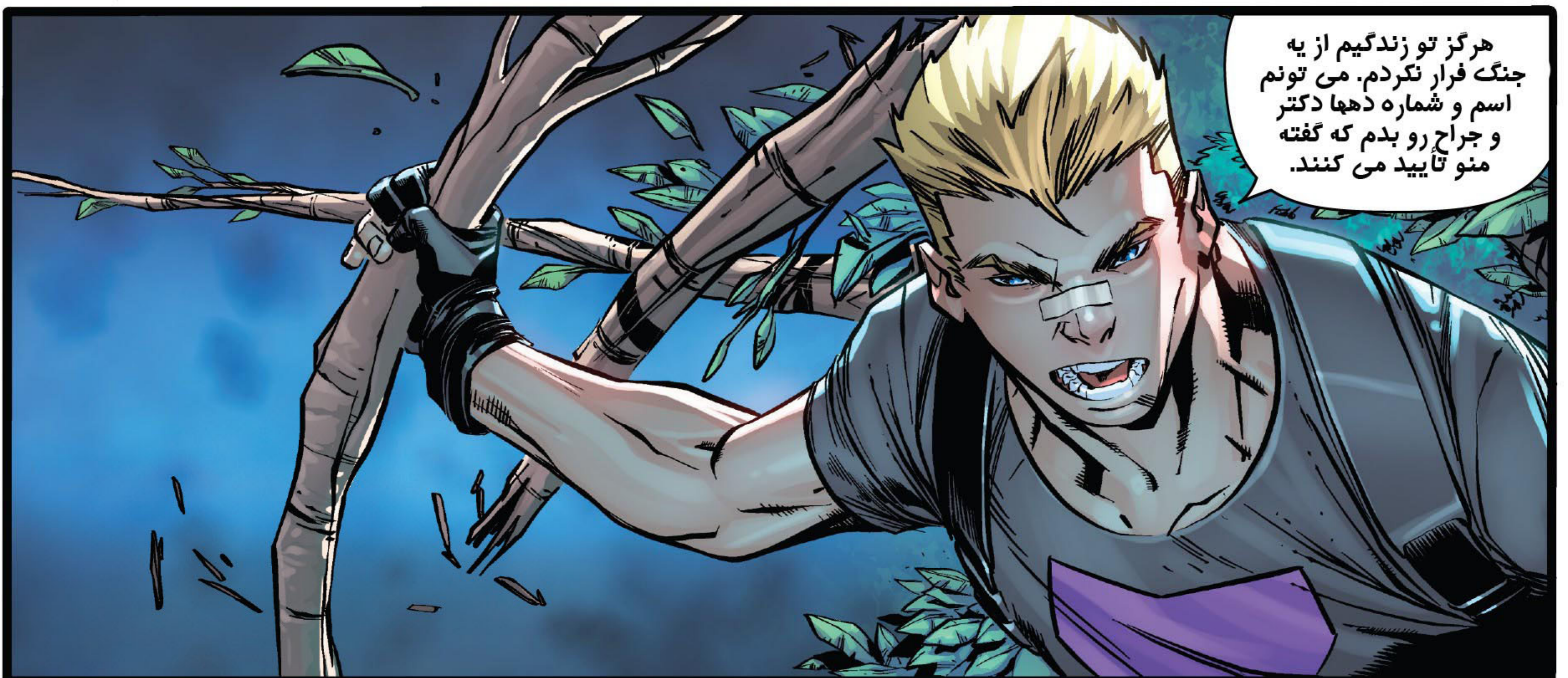
زندگی.
فرار؟

نمی خوام
پوست راکون رو
کنده ببینم... تو هم که
به درد نمی خوری
بارتون. پس برو.



راست
می گه.

خفه شو و
کمک کن یه
کمان درست
کنم.



هرگز تو زندگیم از یه
جنگ فرار نکردم. می توئم
اسم و شماره دهها دکتر
و جراح رو بدم که گفته
منو تایید می کنند.



این زن قدرت هر چی خورشیده تو جهان ازش گرفته.

”سیاره هایی هستند که ساکنانشون فکر می کنند خدایانشون ترکشون کرده.



”در بدترین حالت، دیر یا زود هر چیزی رو که می شناختیم یخ می زنه و می میره.“



بیا بریم!

گفتند ”انتقام جویان جمع بشید“ نه اینکه ”خوش و بش کنید“.



نظرت راجع به این چیه...

هر چی باشه اصلا کوچیک نیست...



بربر تسلیم
زخم های خود
نشده.

درمانم کن... درمانم
کن و ... من بهت لطف
می کنم و نمی دارم زیاد
درد بکشی.

جادوی تو منو تحت
تأثیر قرار نمی ده.

بیچاره.
بیچاره.
بیچاره.



منو مهمون
غذای یاس
خودت کن...
منو مهمون
غذای یاس
خودت کن...
منو مهمون
غذای یاس
خودت کن...



... شاید از
به عنوان به
استفاده کنم.
... شاید از
به عنوان به
استفاده کنم.
... شاید از
به عنوان به
استفاده کنم.

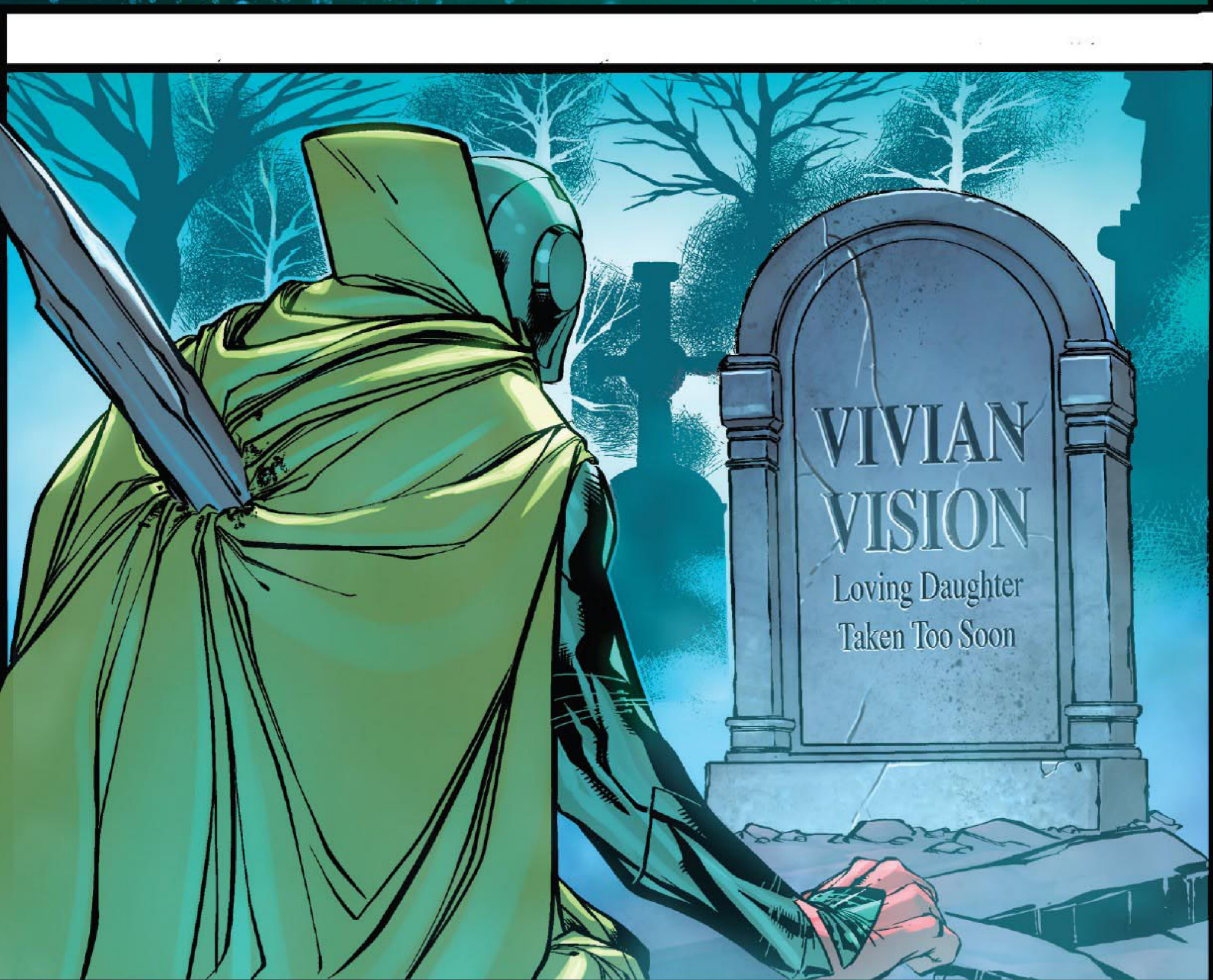
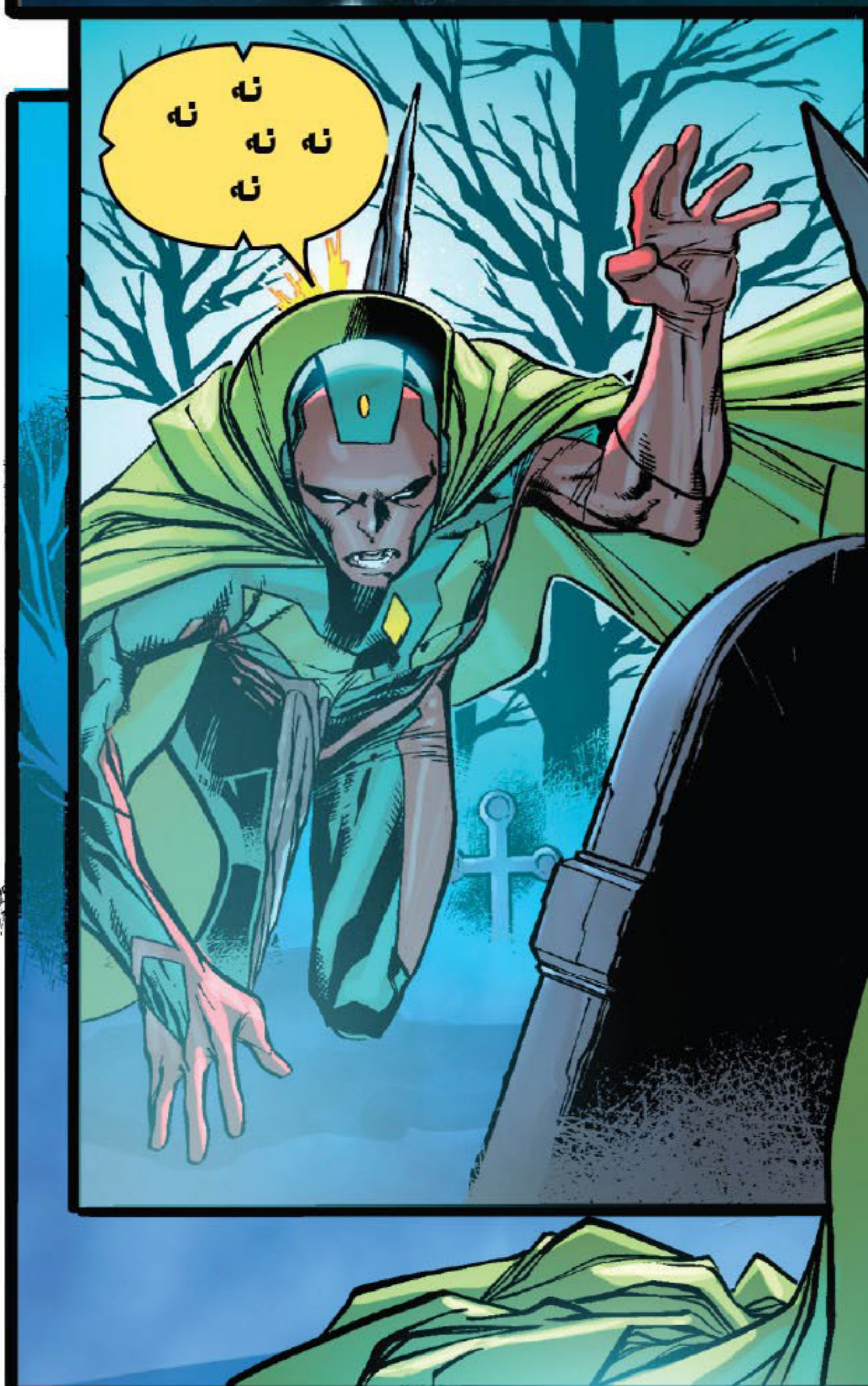
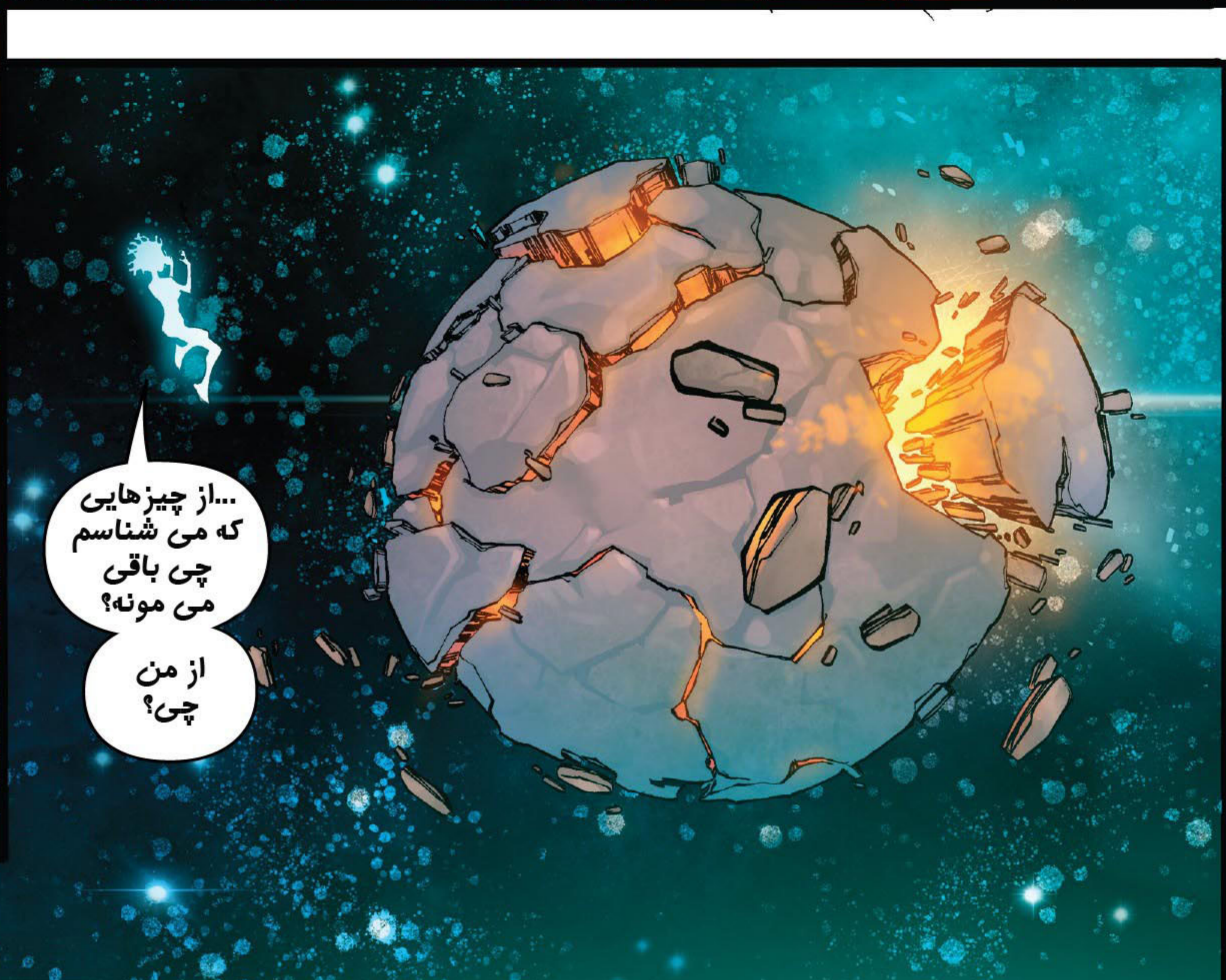
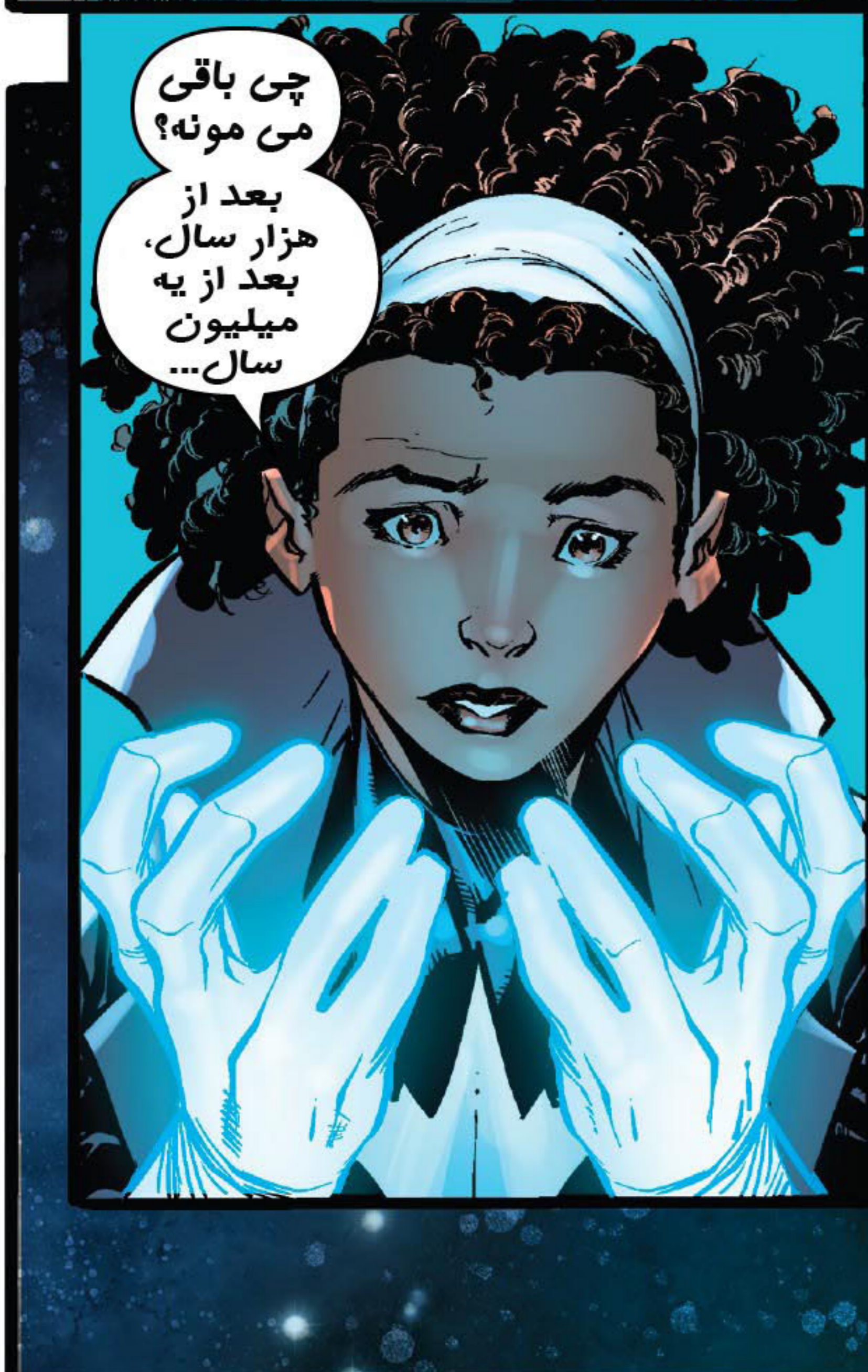
چه اتفاقی
داره می افته؟
انگار داره...



ولی همه ما قدرت
اونو نداریم.

NGGGH!

AAAAH!

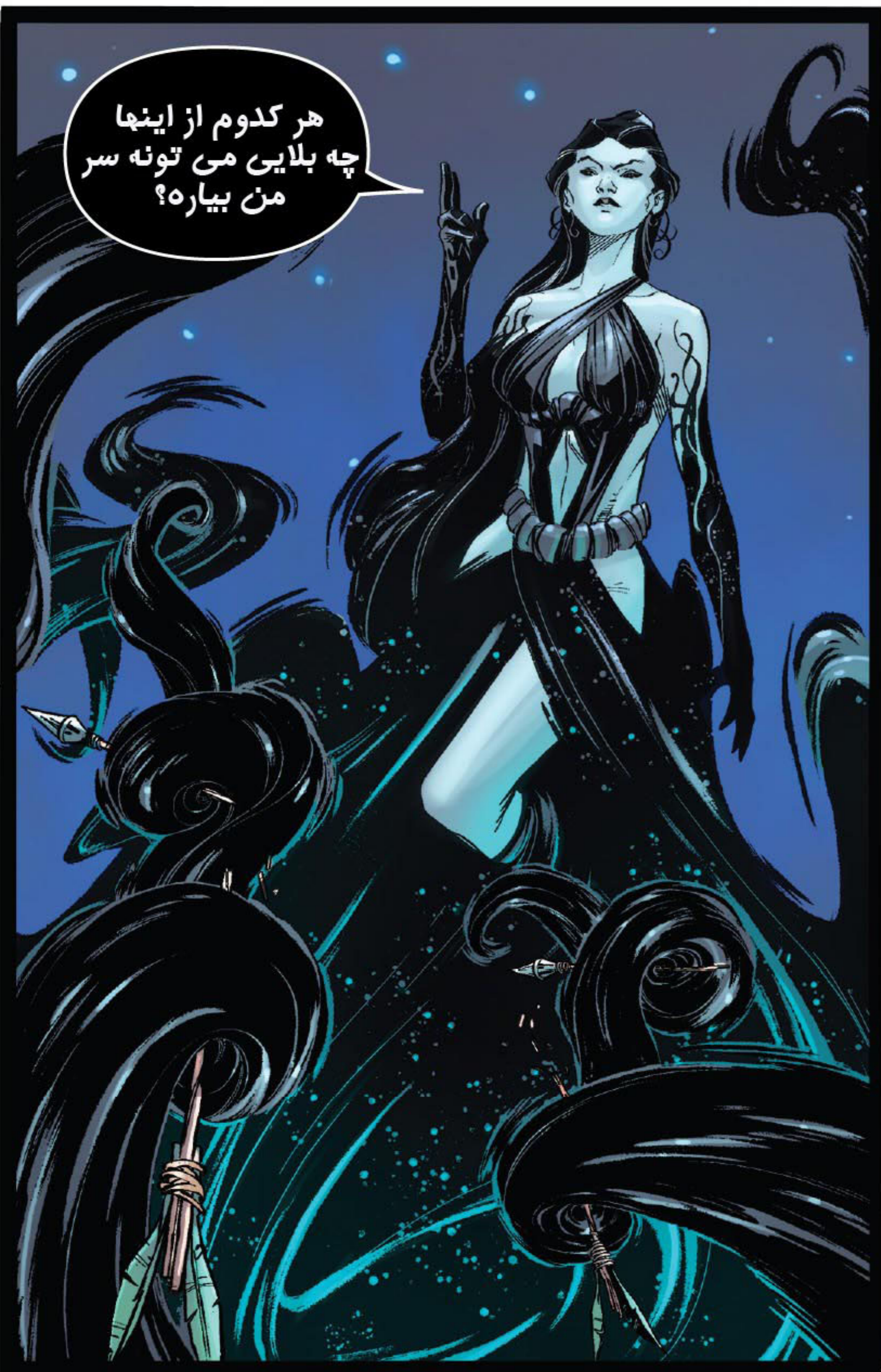




تو این تیرها
چیة؟

تو یکی از اونها
خرج ضد ماده است
که می تونه تو یه سفینه
کری یه حفره ایجاد کنه.

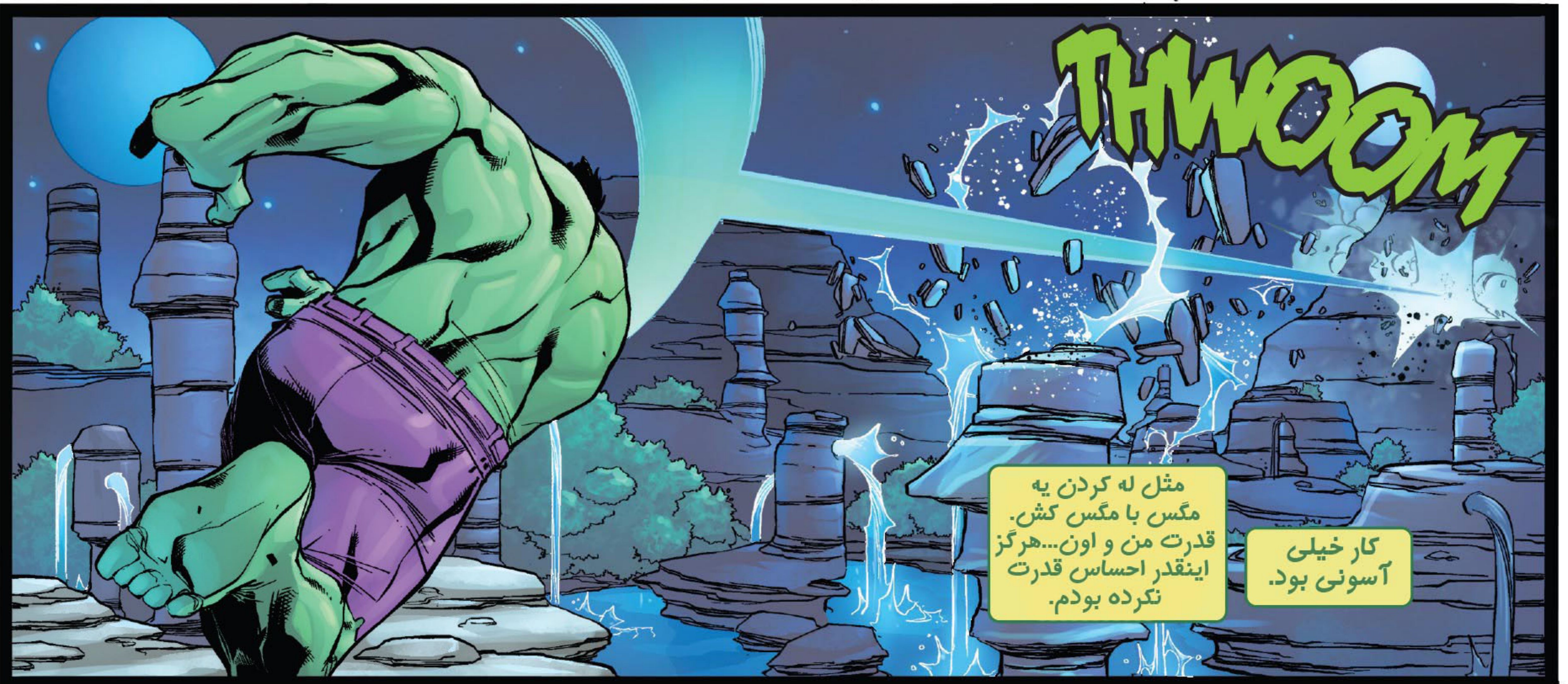
بعدی
واقعا تیزه.



هر کدوم از اینجا
چه بلایی می تونه سر
من بیاره؟



توجهتو
جلب کنه.



مثل له کردن یه
مگس با مگس کش.
قدرت من و اون... هرگز
اینقدر احساس قدرت
نکرده بودم.

کار خیلی
آسونی بود.



پرتاب خوبی بود.

دنیال چی می گردی بارتون؟

یه کم عضله به درد من می خوره. دنیال او ذرات پیم می کردم. یه کم تغییر در اندازه لازم دارم.



مگه اونها فقط رو انسان ها اثر نمی کنه؟ می تونه اونو هم کوچیک کنه؟

جواب سؤال اول "نه"، ولی در مورد دومی شک دارم...

مواظب باشید!



الان دیگه جدی شده. نه حرف دو پهلویی. نه رجز خونی.

با هر چیزی که می تونه ما رو می زنه.

خوبه.



سم اویزیس
داخل روحم شده
و پاهای من تسلیم
شدند. هیچی حس
نمی کنم.

یه ویرانه درون
خودم حس می کنم.



خشم ناشی از مرگ
خانواده ام... منو به
جنگ وامی داشت.
تنها چیزی بود که
برام باقی مونده بود.

ولی الان مثل
خاکستری تلخ و
سردم. چه قایده ای
داره؟



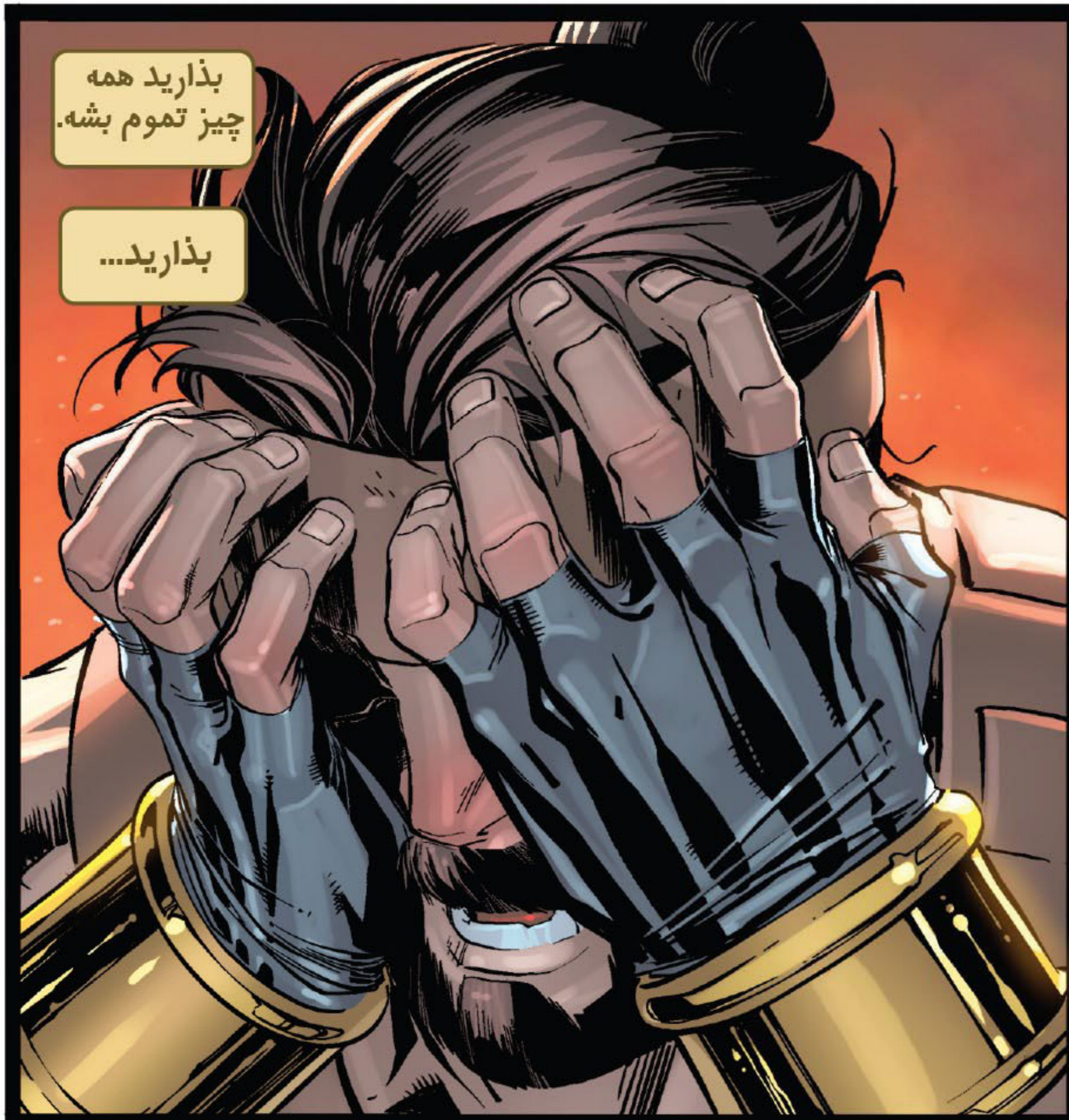
من به چه دردی
می خورم؟ هر کول
جوک... همیشه مثل
احمق ها می خنده...

من به چه دردی
می خورم



من خیلی خسته ام
... همیشه خسته ام
فقط...

فقط بذارید تموم شه.
بذارید قصه های بزرگ
هر کول و رنج هاش همینجا
تموم بشن.



بذارید همه
چیز تموم بشه.

بذارید...



...

یه نفر داره
گریه می کنه.



اون وییجره.

خیلی تنهام...
نه خانواده ای، نه پدری
احمقانه است...
احمقانه، احمقانه...
خیلی ضعیفم...
بذار از بین برم...
همه از من متنفرند...
اونجا باید...



اویزیس منو می بینه
که وییجر رو دیدم و قهقهه
سر می ده.

و با سموم روانی بیشتری
حمله می کنه. درد بیشتر...
یادآوری های نفرت و صدمات
بیشتر...



دارم می افتم.
باید خودم رو تقویت
کنم.

ولی
نمی تونم.



کاری هست که باید
انجام بدم.

یه وظیفه
ناتمام.

وییجر...
تو...



خواهش
من کنم.
تو...
تنها نیستی.



می خوام
کمکت
کنم.

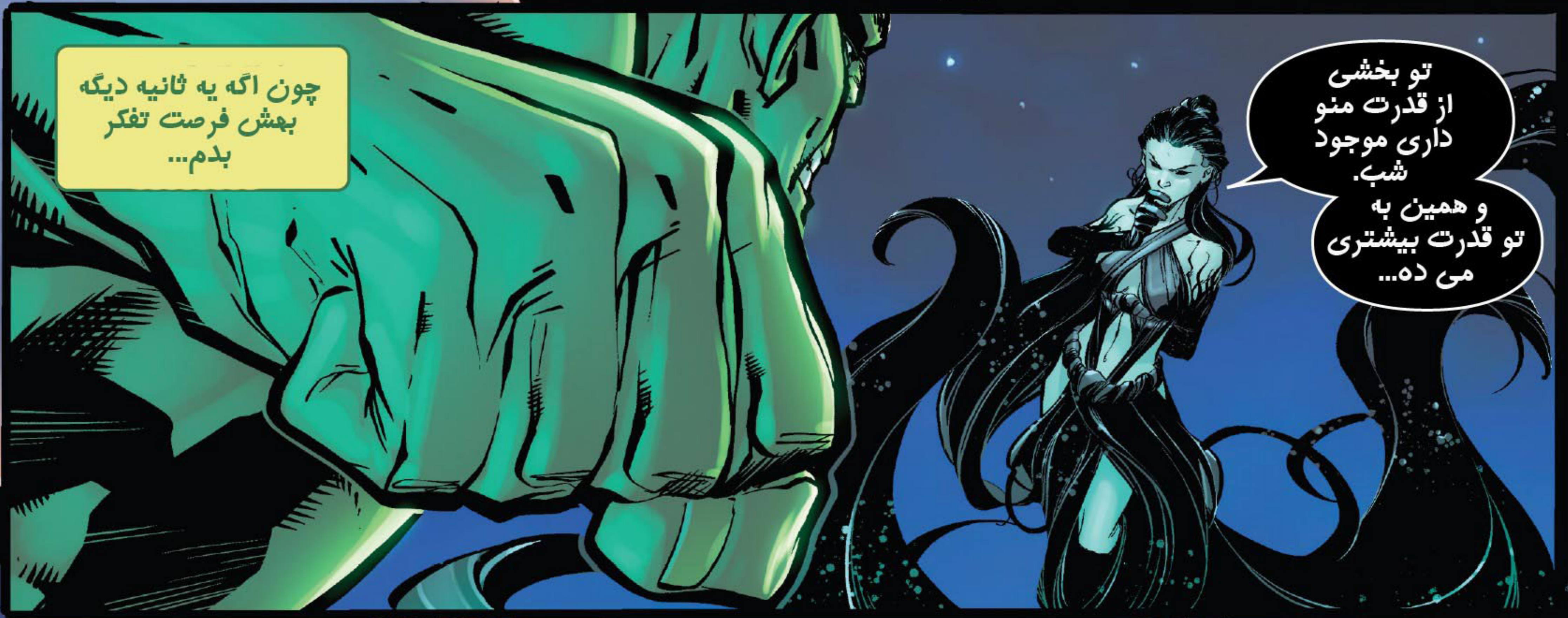


گفتم که یه نقشه دارم.

اینه.

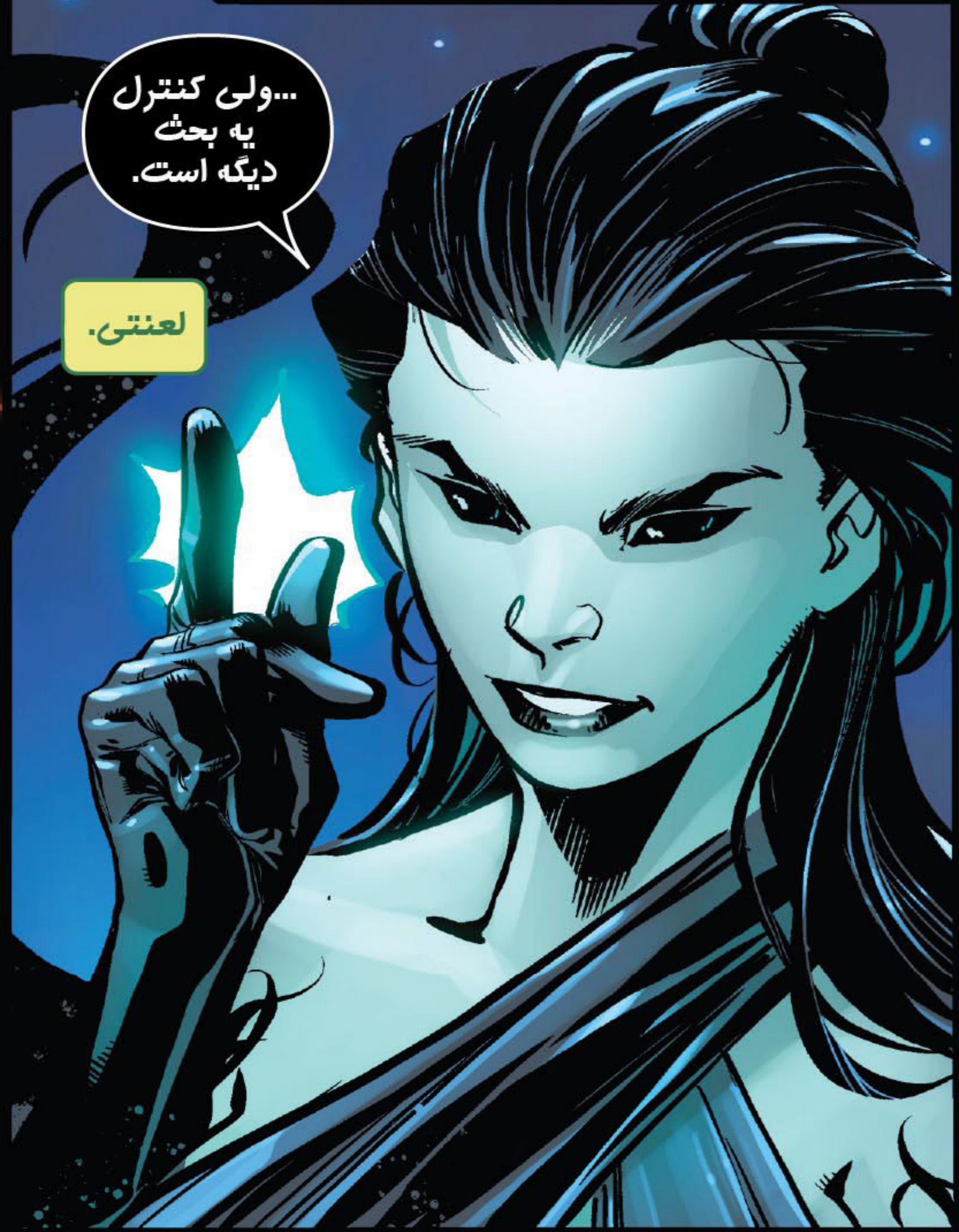
که بزمنش.

با تمام قدرت..
یه ضربه مرگبار.
همین الان.



چون اگه یه ثانیه دیگه
بعش فرصت تفکر
بدم...

تو بخشی
از قدرت منو
داری موجود
شب.
و همین به
تو قدرت بیشتری
می ده...



...ولی کنترل
یه بحث
دیگه است.

لعنتی.



از همون چیزی
که می ترسیدم.

اونی که
خدا می ده...

برای تو،
فقط برای
تو...



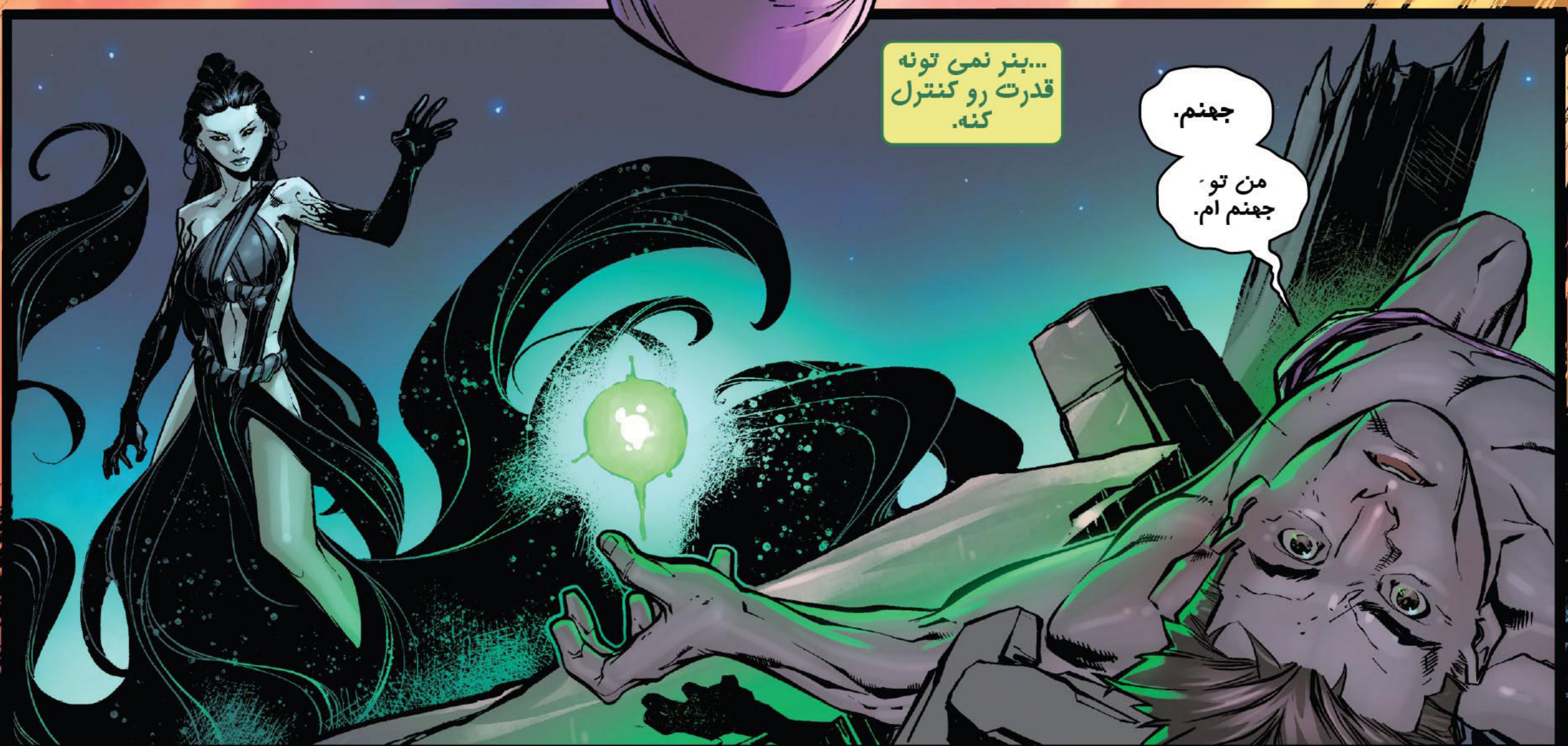
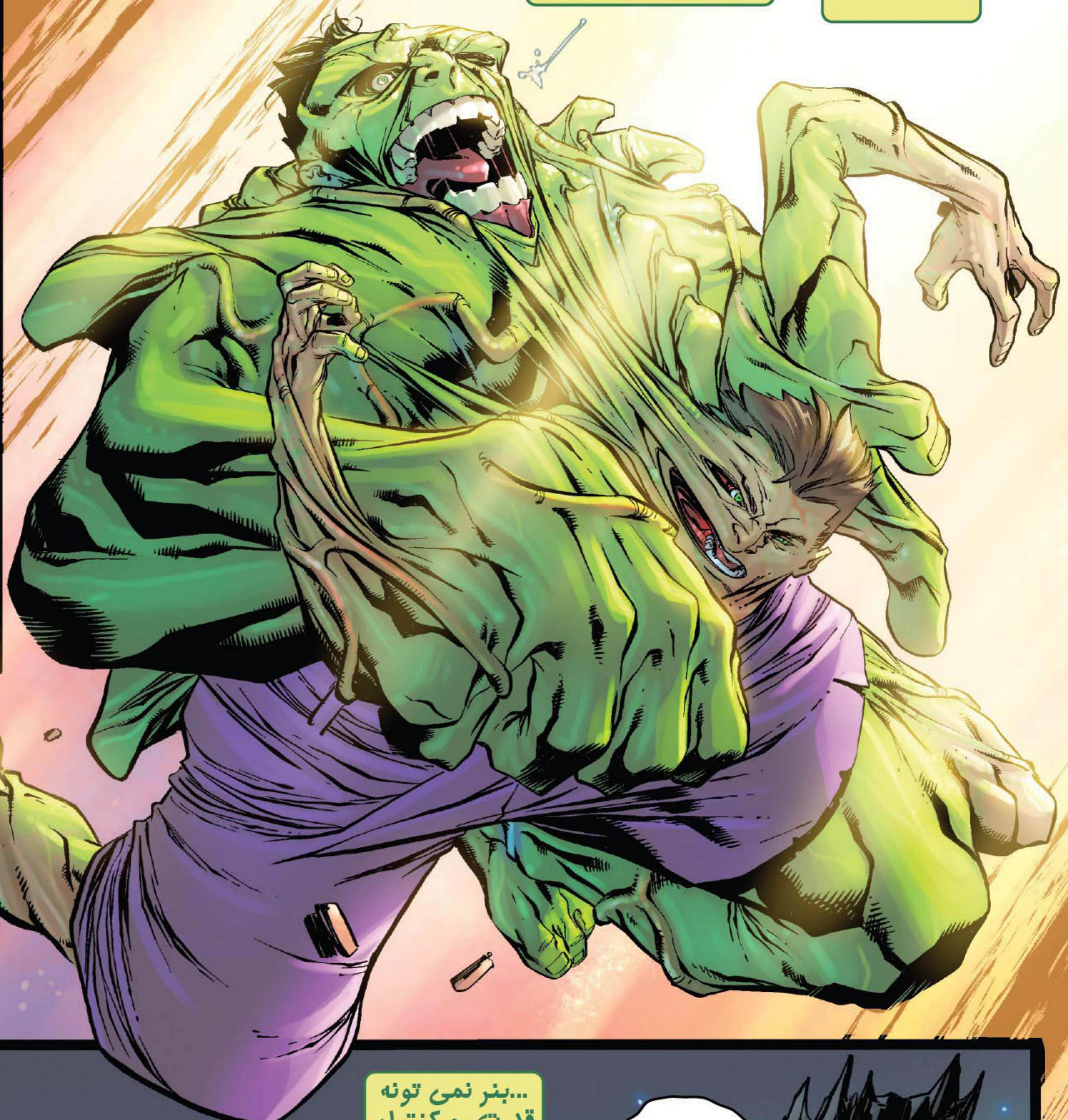
... من قدرت
شب خودم رو
باطل می کنم.

AAARRRHHH!

...دوباره پس
می گیره.

نمی تونم جلو شو
بگیرم. قویترین ولی هنوز
نمی تونم جلوی تغییر
رو بگیرم.

و بنتر...



...بنتر نمی تونه
قدرت رو کنترل
کنه.

جهنم.
من تو
جهنم ام.



جهنم
روشنایی
روز.
چون شب
زمان منه.



من به ویبجر کمک می کنم
تا روی پاهاش بایسته.

در مقابل چنین چیزی
خیلی مهمه که بتونیم
بایستیم.



اون قدرت زیادی بر
روی ما داره. ولی بعضی
وقت ها... وقتی بهش
نگاه می کنم...

بعد برمی گردم و
به اویزیس که منشا
بدبختیه نگاه می کنم.



...می تونم خیلی
شفاف ببینمش.

تو ... کوچک و
ضعیف هستی...
تو ... سرپا هستی...
تو ... سرپا هستی...
تو ... سرپا هستی...



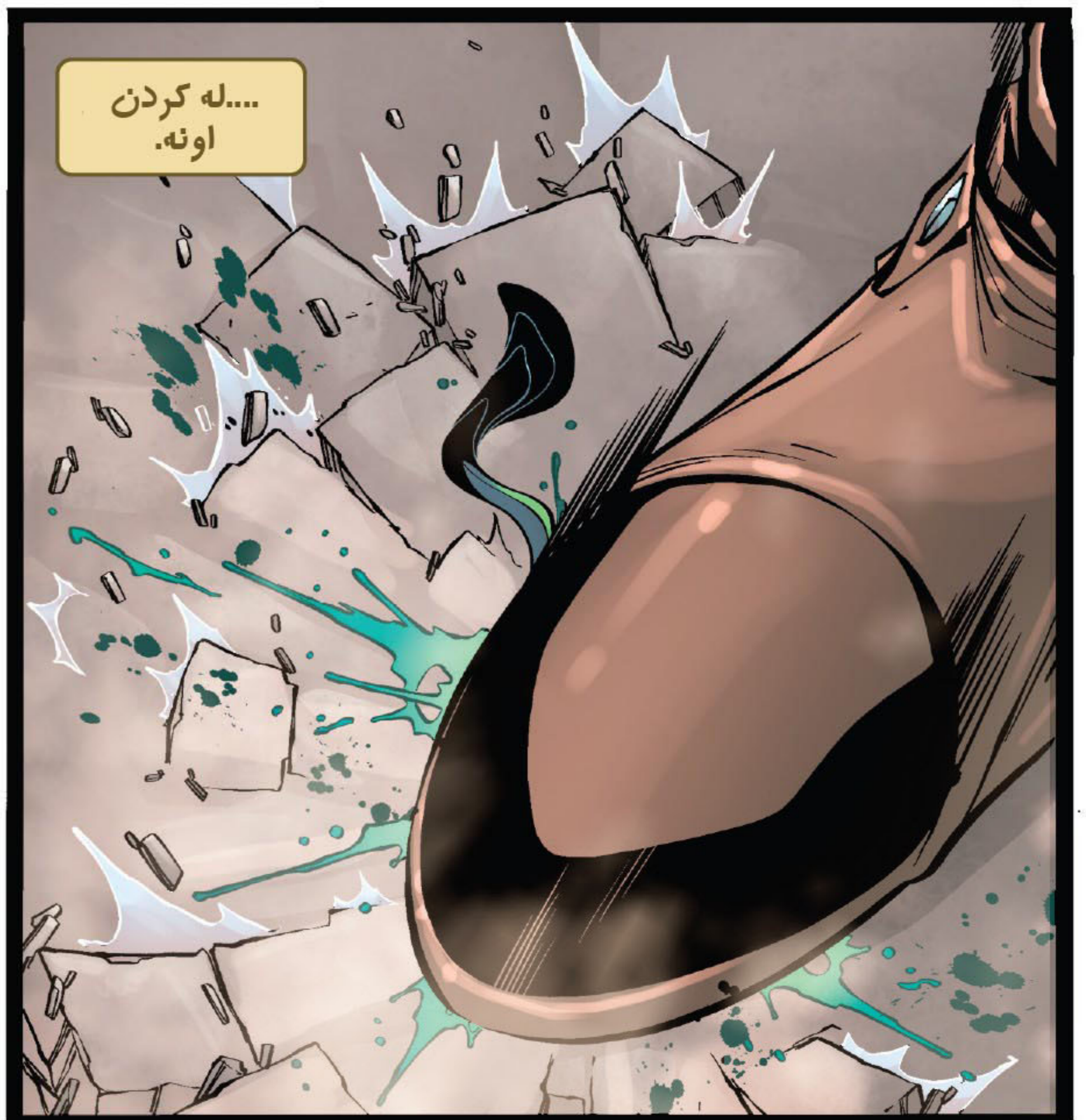
هدفم انتقام نیست.
هدفم غرق شدن در خشم
نیست. من قویتر از اینم.

و ناگهان متوجه
می شم هدفم
چییه.



هدف من پیدا کردن بدبختی در این حیات
... پیدا کردن یاس و ناامیدی در هر جایی است
که ممکنه پنهان شده باشه... و به بهترین شکل...

به من
گوش کن...
به من
گوش کن...
گوش کن...



...له کردن
اونه.

و بعد... مثل
یه احمق بخندم.

نمی دونم چقدر
بتونه کمک کنه. ولی
حسن بهتری دارم.

تو چطور؟

مدت طولانی
... تو سرم بود...
اون...

نمی دونم
که بتونم حسن بهتری
داشته باشم یا نه. الان
نه. ولی... الان
می تونم فکر کنم.
و
می تونم
بجنگم.

در عوض،
می خوام انتقام خودم
رو از کسی که این
وحشی رو به دنیا آورده
بگیرم... البته اگه منو
در کنار خودتون
بپذیرید.

آره. ولی
بزرگترین افسوس
من اینه که چرا
نتونستم خودم اون
مارمولک رو بکشم.

انتقام نمی تونه این
درد رو تسکین بده دوست
من. من می دونم.

ولی تو می تونی
ملکه شب رو قبل از
اینکه به کسی دیگه صدمه
بزنه متوقف کنی.

و شاید وقتی ملکه شب
بمیره... روح بلیت بتونه
در ذهن من به آرامش
برسه...

و بیجر با قدرتی
که داری، می تونی
بفهمی کجا رفته؟

فکر کنم...
می دونم. حتی بعد
از مرگ اویزیس بقدری
ارتباط وجود داره که
محلش رو پیدا کنم
... ولی...

"...باید عجله کنیم."

خیلی بهتر شد.

این تکه ها ارزش افزایشی ندارند. اونجا قدرتشون تصاعدی بالا می ره. حس می کنم...



?



دوباره این خونه. این چی می تونه باشه؟

کجاست؟



چطور ممکنه نور داشته باشه...؟





هدایتم
کن.

صبر کن!



نیکس!
صبر کن!!!

اون سر
دنیا سیاره ایه...
بنام سوفوریا...
تمام قدرت
منو... اون
گرفته...



قبل از اینکه فریاد بزنم
می دونستم برای متوقف
کردنش خیلی دیره.

نیکس دومین
تکه قدرتش رو
بدست آورد.



حرکت بعدی رو
او انجام خواهد داد.

فانیان.



بر خلاف تمام
تلاشی که کردید، من
شما رو در قلمرو خودتون
شکست دادم.

تصور کنید
در قلمرو خودم
چه بلایی به سر
شما خواهم آورد.



س-ستاره ها

همه... همه
چندین میلیارد
ستاره...



چشمان
اورانوس...

دارند خاموش
می شن.

ادامه دارد!